



باسمه تعالی

کیفیت دلالت ماده و صیغه نهی بر حرمت

بحث درباره کیفیت دلالت ماده نهی و صیغه نهی بر حرمت بود. بیان شد که ماده نهی و صیغه نهی بر اساس مبنای مختار دلالتشان بر حرمت، مثل دلالت ماده امر و صیغه امر بر وجوب است و این دلالت، دلالت عقلی است. عقل است که حکم می کند که طلب یا بعث و زجر مولا نباید بدون جواب بماند. حکم عقل بر لزوم جواب دادن به طلب یا بعث مولا در امر و لزوم جواب دادن به طلب یا زجر در نهی مولا منشا ظهوری می شود که از آن تعبیر می شود به ظهور عقلی در ماده امر و صیغه امر و ماده نهی و صیغه نهی. مبنای مختار همان مبنای محقق نائینی است البته با اضافه شدن یک نکته تکمیلی که بعدا بیان خواهد شد.

مدرسه های مختلف در کیفیت دلالت امر و نهی بر وجوب و حرمت طبق گزارش شهید صدر

در مورد این مبنا اشکالاتی از طرف شهید صدر بیان شده است:

اشکال اول این است که اگر این ظهور، ظهور عقلی است و می گویند آنجا عقل است که حکم به لزوم امتثال می کند، فرق آن با حکم عقل که از آن تعبیر به اشتغال می شود چیست؟ چرا همین حکم عقلی را یک جا اماره می دانید و جای دیگر، آن را اصل عملی می دانید؟

اشکال دیگر این است که چرا با وجود عقلی بودن ظهور، آن را در ذیل مباحث الفاظ جا داده اند؟ علاوه بر این شهید صدر اصل استدلال بر وجوب و حرمت بدین نحو را مخدوش می دانند.

شهید صدر در توضیح ظهور ماده امر و صیغه امر در وجوب می فرمایند ظهور امر در وجوب قطعی است اما بحث در مورد کیفیت دلالت امر بر وجوب است. ایشان می فرمایند در کیفیت این دلالت سه مدرسه وجود دارد. مدرسه اول نظر مشهور است که کیفیت دلالت را از جنس دلالت لفظی و از طریق تبادر می دانند. مدرسه دوم را ایشان نظر

محقق نائینی می داند که منشا ظهور حکم عقل است. مدرسه سوم در نظر ایشان مدرسه محقق عراقی است که در آن کیفیت دلالت از طریق اطلاق و مقدمات حکمت است.

«و قد اختلفوا فی ذلك علی أقوال ثلاثة: ۱- أن تكون الدلالة علی أساس الوضع للوجوب. ۲- أن تكون بحکم العقل. ۳- أن تكون بالإطلاق و مقدمات الحکمة. و قد ذهب المشهور إلى القول الأول و ذهب مدرسة المحقق النائینی (قده) إلى القول الثانی و ذهب المحقق العراقي إلى القول الثالث. و هذه الأقوال و الاحتمالات الثلاثة واردة فی صیغة الأمر أيضا علی حد واحد»^۱

نقد مدرسه محقق نائینی (مسلك ظهور عقلي) توسط شهيد صدر

نظر ایشان همان قول اول است و می فرمایند بعد از بیان بطلان مناشی ادعا شده برای تبادر، قول اول اثبات خواهد شد. «أما القول الأول فدليله التبادر مع إبطال سائر المناشئ الأخرى المدعاة لتفسير هذا التبادر»^۲

در ادامه قول دوم را توضیح می دهند و عبارات ایشان بسیار شبیه عبارات آقای مظفر است.^۳ «و أما القول الثانی فقد ذكر المحقق النائینی فی إثباته ان الوجوب ليس مدلولاً للدلیل اللفظی و انما مدلوله الطلب فحسب و كل طلب يصدر من العالی إلى الدانی و لا یقترن بالترخیص فی المخالفة یحکم العقل بلزوم امتثاله و إطاعته و بهذا اللحاظ ینتزع عنوان الوجوب منه بینما إذا اقترن بالترخیص المذكور لم یلزم العقل بموافقته و بهذا اللحاظ یتصف بالاستحباب فكل من الوجوب و الاستحباب شأن من شئون حکم العقل المترتب علی طلب المولی»^۴ پس در این مبنا ظهور در وجوب، ظهور عقلي است. عقل بعد از صدور طلب از جانب مولا حکم به لزوم امتثال می کند. البته اگر این طلب مقرون با قرینه ای که دال بر ترخیص و جواز مخالفت نباشد.

در ادامه ایشان چند نقض و یک اشکال مبنایی و اصلی را مطرح می کنند. نقض ها مهم نیست و قابل حل است اما عمده همان اشکال مبنایی و اصلی است. بر اساس این اشکال اصلی است که ایشان می فرمایند اصل این حرف

^۱ [بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۸.](#)

^۲ [بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۸.](#)

^۳ همین شهادی بر ضرورت مطالعه دقیق و خوب درس گرفتن اصول فقه است.

^۴ [بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۸.](#)

غلط است.^۵ اشکال اصلی ایشان این است که موضوع حکم عقل به وجوب، مطلق صدور طلب و بعث نیست. زیرا اگر عبدی از طریقی می دانست که در موردی که طلب یا بعث صادر شده است ملاکی وجود دارد که فوت شدن آن مولا را ناراحت نمی کند، در این صورت عبد برای خود قائل به جواز ترخیص خواهد بود. در نتیجه ملاک وجوب، اصل صدور طلب یا بعث نیست بلکه مرتبه شدید طلب است که موضوع حکم به وجوب است. در حرمت هم همینگونه است.

حال که مرتبه شدید طلب یا بعث و زجر موضوع حکم عقل شد، کشف این مرتبه شدید از طریق دلیل لفظی ممکن خواهد بود. بنابر این نمی توان گفت منشا ظهور، حکم عقل است، بلکه این دلیل لفظی است که کاشف از مرتبه شدید طلب است و اگر دلیل، دلالتی بر مرتبه شدید طلب نداشت، وجوب و حرمتی وجود نخواهد داشت.

تفاوت این بیان با بیان محقق نائینی این است که در بیان محقق نائینی مطلق طلب مولا موضوع حکم عقل بر لزوم امتثال بود. اما در بیان شهید صدر، صرف طلب موضوع نیست بلکه مرتبه شدید طلب است که موضوع حکم عقل است و تنها راه برای فهم این مرتبه هم دلالت لفظی دلیل است. در نتیجه همه چیز مستند به دلیل لفظی خواهد شد.

بیان ایشان چنین است: «و یرد علیه: أولاً- ان موضوع حکم العقل بلزوم الامتثال لا یکفی فیه مجرد صدور الطلب مع عدم اقتترانه بالترخیص لوضوح ان المکلف إذا اطلع بدون ترخیص من قبل المولی علی ان طلبه نشأ من ملاک غیر لزومی و لا یؤدی المولی فواته لم یحکم العقل بلزوم الامتثال و هذا یعنی ان الوجوب العقلي فرع مرتبة معينة فی ملاک الطلب و هذه المرتبة لا کاشف عنها الا الدلیل اللفظی فلا بد من أخذها فی مدلول اللفظ لکی ینقح بذلک موضوع الوجوب العقلي و هو معنی کون الدلالة لفظية.»^۶

بیانی دیگر در مسلک ظهور عقلی، بیان محقق بروجردی با تکمیل امام خمینی ره

برای بررسی فرمایشات ایشان لازم است توجه شود که مسلک ظهور عقلی دو نوع بیان دارد. یکی از این بیان ها همین بیان محقق نائینی است که توسط شاگردان ایشان آقایان مظفر و خوبی هم نقل شده است. اما بیان دیگری نیز

^۵ ایشان پس از بیان این اشکال مهم، می گویند با فرض درست شدن این اشکال، تازه باید به دو اشکال دیگر جواب دهید: اولاً: تفاوت «ظهور امر در وجوب» و «اشتغال» در چیست؟ ثانیاً: بر فرض اصل عملی نبودن این حکم عقل، این سوال مطرح می شود که بر فرض عقلی بودن این ظهور، چرا این ظهور، در ردیف ظهورات لفظی قرار داده می شود؟ چرا آن را در مباحث دلیل عقلی قرار نداده‌اید.

^۶ بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۹.

وجود دارد که توسط محقق بروجردی مطرح شده است. در تقریر امام خمینی از درس ایشان نیز این بیان وجود دارد. البته امام خمینی تکمیل و تحقیقی نیز ناظر به این بیان دارند.

حرف نهایی امام این است که وقتی گفته می شود عقل دو گونه عقل می تواند مدّ نظر باشد؛ یکی ناظر به کشف «نوع اراده» است و یکی ناظر به «جنس اراده». توضیح اینکه یک بار عقل نوع اراده و ملاک را کشف می کند (عقل در رتبه علل حکم)، این حکم عقل اصلا محل بحث نیست. زیرا این فهم و حکم عقلی در رتبه علت حکم است. یعنی گاهی بحث از جنس اراده است و بحث است که اراده ای که اینجا وجود دارد اراده شدید است یا اراده ضعیف؟ اما گاهی محل بحث نوع اراده است. یعنی بحث از مرتبه خاصی از اراده که مثلا اراده شدید است. امام می فرماید وقتی نوع اراده فهمیده شد و مثلا فهمید که ملاک مورد نظر از ملاکاتی است که فوت آن مولا را ناراحت می کند می فهمد که نوع این اراده، اراده شدید است و یا اگر فوت ملاک مولا را ناراحت نمی کند می فهمد که نوع اراده، اراده ضعیفه است. اما همه اینها در رتبه شناسایی علل حکم است و اصلا محل بحث نیست. بلکه آنچه مورد نظر است بحث در جایی است که «جنس اراده» محرز است و سوال این است که وقتی جنس اراده محرز است ولی نوع آن مشخص نیست، حکم عقل در وادی امتثال یعنی معلول حکم شرعی چیست؟ اگر فضای بحث ناظر به معلول حکم شرعی بود یک جور باید صحبت کرد و اگر فضای بحث ناظر به علل حکم شرعی بود گونه ای دیگر باید صحبت کرد.

جدای از این دقت که توسط امام خمینی مطرح شد، حتی می توان گفت اشکال شهید صدر به تبیین محقق نائینی هم وارد نیست. البته با توجه به فرمایش امام خمینی می توان اشکال دوم و سوم شهید صدر را نیز جواب داد که بعدا مطرح خواهد شد.

مقرر: علی اکبر اژه ای